

محمد ابراهیمی، سرگروه داوران زیست‌شناسی:

## مخاطب به کتاب خوب کمتر رغبت دارد



دارند، به آن‌ها ارائه نمی‌شود. زیست‌شناسی علمی است که روز به روز گسترده می‌شود و زمینه‌هایی مانند بهداشت محیط، پزشکی و... را شامل می‌شود. اما درباره این موضوع‌ها هیچ کتابی ندیدم. چند ناشر در این حوزه فعالیت دارند که اصلاً در جشنواره شرکت نداشتند.

در جشنواره امسال هفت عنوان کتاب به دست داوران گروه زیست‌شناسی رسیده که شامل کتاب‌های کار برای دانش‌آموزان و کتاب‌های دانش‌افزایی بودند؛ اما با کیفیتی نه چندان خوب. محمد ابراهیمی، از داوران این گروه، معتقد است؛ تا زمانی که کنکور به مسایل آموزشی جهت می‌دهد، دانش‌آموزان کمتر به کتاب‌های خوب رغبت نشان می‌دهند.

### ■ اصولاً نیاز اصلی دانش‌آموزان در درس زیست‌شناسی چیست؟

تا زمانی که کنکور به همه مسائلی آموزشی جهت می‌دهد، دانش‌آموز کمتر به کتاب‌های خوب رغبت نشان می‌دهد. متأسفانه همکاران ما هم فرصت کار دیگری را ندارند. نمی‌توانند دنبال کتابی باشند که درک دانش‌آموز را از درس بالا ببرد. بیشتر سعی می‌کنند کتاب‌هایی را بگیرند که بتوانند با آن‌ها کار کنند و دانش‌آموز هم راضی باشد. من فکر می‌کنم اصلاً دانش‌آموزان ما رغبت چندانی به خواندن کتاب خوب ندارند.

■ آقای ابراهیمی، در گروه زیست‌شناسی چند عنوان کتاب را بررسی کردید و کیفیت آن‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
ما هفت عنوان کتاب را بررسی کردیم، اعم از کتاب کار برای دانش‌آموزان و کتاب‌های علمی دانش‌افزایی. اما کیفیتشان به نظرم خیلی جالب نبود، به طوری که نمی‌شد از بین آن‌ها کتابی انتخاب کرد.

### ■ چرا؟

من فکر می‌کنم، کتاب‌های کمک‌آموزشی آنقدر بازار را گرفته‌اند که انجام کار علمی برای کسی جذابیت ندارد یا سود مادی و معنوی چندانی ندارد که کسی بخواهد غیر از کتاب کمک‌درسی کاری انجام دهد. وقتی کتاب کمک‌درسی شمارگانی نزدیک به پنج هزار دارد و چند بار تجدید چاپ می‌شود، قطعاً افراد سراغ تولیدش می‌روند. در میان کتاب‌هایی که به دست ما رسیدند، سه کتاب تست، یک کتاب کار و سه کتاب علمی بودند. کتاب‌های علمی گرچه چنگی به دل نمی‌زدند، ولی بهتر از کتاب‌های دیگر بودند.

### ■ آقای ابراهیمی به‌طور کلی کمبودهای این حوزه را چگونه می‌بینید؟

اول از همه اینکه جهت‌دهی نشرمان را بخشی انجام می‌دهد که با کنکور ارتباط دارد. اگر قرار است اصلاحی صورت گیرد، باید بخش تشویقی زیاد شود. یکی از نقطه ضعف‌هایی هم که دیده می‌شود، این بود که برخی یک کتاب را به چند کتاب تقسیم کرده و هر قسمت را به‌عنوان یک کتاب ارائه داده بودند تا از این بابت امتیاز بگیرند. در صورتی که همه آن‌ها یک کتاب بودند.

### ■ شما دلیل این موضوع را چه می‌دانید؟

شاید بهتر باشد بپرسیم برای آثار برگزیده چه امکاناتی قائل می‌شویم؟ مگر چند درصد دانش‌آموزان و معلمان به انتهای کتاب درسی مراجعه می‌کنند؟ اگر این کار را به‌عنوان سیاست تشویقی در نظر می‌گیرید، باید آماری بگیریم که هر کتاب از سوی دانش‌آموزان و معلمان چقدر مورد توجه قرار می‌گیرد؟ این سیاست‌ها به شرطی مطلوب است که مخاطب به موضوع مورد نظر ما توجه داشته باشد. اما وقتی تمام فکر و ذکر مخاطب کنکور است، چه می‌شود کرد؟

### ■ بنابراین کتاب‌ها نیاز مخاطبان را تأمین نمی‌کردند؟ نه اصلاً.

### ■ شما بازار کتاب را رصد کرده‌اید؟ آیا کتاب‌های متفاوتی در بازار مشاهده کرده‌اید؟

بله در بازار کتاب آثار علمی هستند که هیچ کدام را در جشنواره ندیدم. نمی‌دانم چرا ناشران این آثار را معرفی نکرده بودند. شاید جشنواره برایشان جذابیتی ندارد یا چیزی که انتظار

## ضرورت نیازسنجی پیش از تولید کتاب‌های دینی



صورت مطالعه و توجه به این برنامه، تولیدات مطابق نیازها خواهد شد و می‌توان نقش مؤثری در تعلیم و تربیت دینی دانش‌آموزان در سطوح مختلف ایفا کرد.

■ آیا تلاشی از سوی ناشران در تولید کتاب‌های متفاوت و خلاقانه دیده می‌شود؟

برخی ناشران به‌حق در زمینه تولیدات دینی گام‌های مهم و قابل توجهی برداشته‌اند. این ناشران با میدان دادن به نویسندگانی که دارای ایده‌های جذاب و ارزشمند هستند، تولیدات قابل توجهی دارند و سرمنشأ جهش‌های قابل توجه در این زمینه‌اند.

■ با توجه به آشنایی معلمان با نیازهای خود و دانش‌آموزان فکر می‌کنید می‌توانیم برای تألیف کتاب مناسب به آن‌ها تکیه کنیم؟ معلمان محترم بیشترین آشنایی را با نیازهای دانش‌آموزان دارند. اگر مؤلفان محترم قبل از اقدام به تألیف با معلمان محترم در مناطق مختلف مشورت نمایند و نیازها را دقیقاً از کسانی که با آن درگیر هستند بپرسند، کتاب‌هایی تولید خواهد شد که در تأمین نیازهای فکری و معرفتی دانش‌آموزان کمک‌کار معلمان خواهد بود. بدیهی است که معلم در فرصت اندک کلاس نمی‌تواند به تمامی سؤالات دانش‌آموزان پاسخ دهد و اگر منابعی در جهت رفع نیازهای دانش‌آموزان تولید شود، معلم می‌تواند به این کتاب‌ها ارجاع دهد و این هم موجب فروش کتاب و هم یاری معلم در تعلیم و تربیت دینی خواهد شد.

■ معلمانی که بخواهند در این حوزه دست به تألیف بزنند، باید چه پیش‌شرط یا ویژگی داشته باشند؟

معلمان محترمی که بخواهند دست به تألیف کتاب در حوزه تعلیم و تربیت دینی بزنند شایسته است دو ابزار ضروری را کسب نمایند. در درجه اول باید مطالعات خود را در حوزه تعلیم و تربیت دینی افزایش دهند و اگر لازم دیدند دوره‌های تخصصی در این زمینه را بگذرانند و در درجه دوم تمرین نویسندگی نمایند که با توجه به ظرفیت‌های فراوان در کشور در هر دو حوزه، کسی که اراده نماید می‌تواند در مدت زمان معقولی این ابزارها را به دست آورد و منشأ آثار ارزشمند و قابل قبولی شود.

■ نقش جشنواره کتاب رشد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ جشنواره رشد می‌تواند با سیاست‌گذاری بر اساس نیازهای اساسی تعلیم و تربیت دینی به تولیدات این حوزه جهت دهد. این جشنواره در سال‌های گذشته توانسته است آثار شایسته را به خوبی شناسایی و معرفی کند و این عملکرد می‌تواند موجب تشویق ناشران برجسته و تلاش بیشتر در این زمینه باشد.

اعضای گروه تعلیم و تربیت دینی ۲۹ عنوان کتاب را داوری کردند که به گفته پرویز آزادی دارای کیفیت مطلوبی بودند. این داور با تأکید بر اینکه کتاب‌های تألیفی این حوزه دارای کیفیت بسیار بالاتری نسبت به آثار ترجمه بودند، پاسخ‌های کامل و قانع‌کننده به نیازهای معرفتی مخاطبان را مهم‌ترین نیاز برشمرد. اما آنچه کمبود آن مشهود است عدم نوآوری، عدم رعایت زبان مخاطب و جذابیت در کتاب‌سازی است.

■ چند عنوان کتاب به گروه شما رسیده است؟

در بخش کتاب‌های تعلیم و تربیت دینی ۲۹ عنوان کتاب برای داوری دریافت شد که تا حدود زیادی دارای کیفیت مطلوب بودند. به همین دلیل رقابت سختی میان آثار، خصوصاً شش اثر نامزد صورت گرفت. علاوه بر این در سال جاری کتاب‌های تألیفی، کیفیت بسیار بهتری نسبت به کتاب‌های ترجمه‌ای داشتند.

■ آیا کتاب‌های ترجمه با نیازهای مخاطب ایرانی سازگاری دارد؟ کتاب‌های ترجمه‌ای معمولاً به دلیل فاصله فرهنگی که دارند چندان در این رشته مطلوب نیستند؛ گرچه از نظر جذابیت‌های ظاهری تا حدودی برتری دارند.

■ به نظر تان در این حوزه اصلی‌ترین نیاز مخاطبان چیست؟ اصلی‌ترین نیاز مخاطب در این رشته یافتن پاسخ‌های کامل و قانع‌کننده به نیازهای معرفتی است. دانش‌آموزان خصوصاً در دوران متوسطه اول و دوم با توجه به سؤالات متعددی که در حوزه اعتقادات و اخلاق دارند از کتاب‌هایی استقبال می‌کنند که هم از نظر ظاهری جذاب و هم از نظر محتوایی متناسب با نیاز آنان باشند؛ یعنی هم به زبان مخاطب نزدیک باشد و هم به سؤال‌های آن‌ها پاسخ روشنی ارائه کند.

■ در تولیدات این حوزه با چه کمبودهایی رو به‌رویم؟

نوآوری، توجه به نیازهای اساسی مخاطب، رعایت زبان مخاطب و ایجاد جذابیت در کتاب‌سازی از کمبودهای این حوزه است. اگر مؤلفان و ناشران محترم این مؤلفه‌ها را مد نظر قرار دهند قطعاً آثار تولیدی آنان با اقبال بیشتری از سوی مخاطب مواجه خواهد شد.

■ از مهم‌ترین معیارهای جشنواره همسویی کتاب با برنامه درسی است. کتاب‌ها تا چه حد به این موضوع توجه داشتند؟

برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی در آموزش و پرورش معیار تألیف کتاب است و هر کتاب آموزشی که در چارچوب این برنامه درسی تألیف شود، قطعاً موجب تکمیل آموزش و تقویت آن در آموزش و پرورش خواهد شد. متأسفانه مؤلفان و ناشران محترم کمتر به این موضوع توجه دارند یا اصلاً اطلاعی از آن ندارند. در



مرجان فولادوند، سرگروه داوران داستان کودک:

## نویسنده باید روایت و نگاه معاصر داشته باشد



در کل آثار منتشر شده ندارم. بنابراین پاسخ من محدود به آثاری است که در مرحله دوم داوری به دست ما رسیدند. در این مرحله تعداد ترجمه‌ها بیشتر از کتاب‌های تألیفی بود.

از میان ۷۵۰ عنوان کتابی که در حوزه داستان کودک به دبیرخانه جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد رسیده‌اند، ۱۵۰ عنوان به مرحله دوم داوری راه یافتند که تعداد آثار ترجمه‌ای در میان آن‌ها بیش از تألیفی است.

مرجان فولادوند، داور این گروه، معتقد است: توجه به مسائل روز کودکان در این کتاب‌ها کمتر دیده می‌شود. البته باید به یاد داشته باشیم، منظور از همراه بودن با مسائل روز تنها در تغییرات فناورانه یا ظاهر وسایل زندگی نیست (هر چند این تغییرات هم مهم هستند)، بلکه منظور نگاه و فهم ما از مسائل است که باید به‌روز و معاصر باشد.

### ■ شما دلیل آن را در چه می‌بینید؟

دلایل مختلفی وجود دارد. استقبال از آثار ترجمه از سوی مخاطب (که نیاز به آسیب‌شناسی خاص خود را دارد) را می‌توان یکی از دلایل دانست. اما نباید از نظر دور داشت، به دلیل نبود الزام به رعایت «حق کپی‌رایت»، بعضی از ناشران به دلایل اقتصادی به ترجمه رو می‌آورند. زیرا بدون پرداخت هیچ هزینه‌ای صاحب یک کتاب کامل با متن، تصویر و طراحی گرافیک می‌شوند. حتی گاه حق‌الترجمه را هم نمی‌پردازند. زیرا مترجمان عمدتاً جوان را با این دلیل که ترجمه نوعی سابقه کار و اعتبار مترجم محسوب می‌شود، به انجام کار بدون دستمزد راضی می‌کنند. در حالی که برای چاپ یک کتاب تألیفی می‌باید حق‌التألیف و هزینه تصویب‌گر و طراحی گرافیک پرداخت شود. بسیاری از این کتاب‌های ترجمه‌ای برجستگی یا امتیاز خاصی ندارند. البته باید بر این موضوع تأکید کرد که هیچ ملتی از ترجمه آثار دیگر کشورها و فرهنگ‌ها بی‌نیاز نیست و ما هم نباید خود را از گنجینه دانش، ادبیات و هنر کشورهای دیگر جهان محروم کنیم. اینجاست که به اهمیت نقش ناشران شریفی که دلسوزانه در پی

### ■ در حوزه کتاب داستان کودک چند عنوان کتاب بررسی شده است؟

ظاهراً حدود ۷۵۰ عنوان کتاب به دفتر جشنواره رسیده است. در داوری اولیه که توسط گروه دیگری از کارشناسان انجام گرفت، از این تعداد تنها ۱۵۰ عنوان به داوری مرحله دوم راه یافتند. در این مرحله حدود ۳۰ کتاب انتخاب و از میان آن‌ها، نامزدها و برندگان نهایی اعلام خواهند شد.

### ■ موازنه آثار تألیفی و ترجمه‌ای چگونه بود؟

من آمار تفکیک شده‌ای از تعداد کتاب‌های تألیفی و ترجمه‌ای



یافتن بهترین کتاب‌ها و ترجمه و انتشار آن‌ها به شکل قانونی در ایران هستند، و تأثیر آن در ارتقای سطح فرهنگ، ادبیات و دانش در جامعه پی می‌بریم.

### ■ سال گذشته کتاب‌های ژانر وحشت زیاد بودند. آیا امسال هم همین طور است؟

ژانر وحشت همیشه طرفدارهای خودش را داشته و هیجان‌انگیز بوده است، اما غالباً برای گروه سنی نوجوان نوشته می‌شود. نویسندگان کودک غالباً از عنوان‌هایی که شبیه به عنوان‌های ژانر وحشت هستند، برای جذابیت کار استفاده می‌کنند؛ مثل «مجموعه خاطرات هیولا» که البته داستان‌ها به هیچ عنوان به اندازه رمان‌های نوجوان ترسناک نیستند. بین ۱۵۰ کتابی که ما بررسی کردیم، تعداد کمی را می‌شد در این ژانر (با توجه به اقتضائات کتاب کودک) دسته‌بندی کرد.

### ■ کتاب‌ها تا چه اندازه با ویژگی‌های فرهنگی و بومی ما هماهنگی دارند؟

ویژگی‌های فرهنگی و بومی زیرساخت تفکر نویسنده و زمینه‌ای هستند که متن در آن متولد می‌شود. بنابراین هر متنی در نهان خویش رنگی از زمینه خود را دارد. اما اینکه نویسندگان با توجه به مسائل روز کودکان در این کتاب‌ها طرح مسئله کنند، کمتر دیده می‌شود. زندگی و مسائلی که بچه‌ها با آن‌ها مواجه می‌شوند، به سرعت در حال تغییرند. نویسنده ناچار است این تغییرات را به سرعت درک کند و برای مخاطبی که با این شرایط زندگی می‌کند، داستان‌هایی بنویسد که او بتواند خود و مسئله‌هایش را در آن‌ها بیابد.

البته باید به یاد داشته باشیم، ادبیات متن‌های روزنامه‌ای نیست. منظور من از همراه بودن با مسائل روز تنها در تغییرات فناورانه یا ظاهر وسایل زندگی نیست (هر چند این تغییرات هم مهم هستند). بلکه منظور من فهم ما از مسائل است که باید به روز و معاصر باشد. ما می‌توانیم داستانی نقل کنیم که فضای آن در ۱۰۰ سال گذشته می‌گذرد، اما نگاه ما به آن و روایت ما از آن، روایت و نگاهی معاصر باشد. مثلاً ما همیشه می‌توانیم درباره آدم‌های خوب و آدم‌های بد داستان بنویسیم. **حکیم نظامی** در

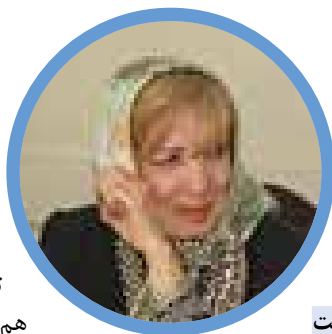
«هفت گنبد» داستان خیر و شر را روایت کرده است. امروز هم می‌توان از خیر و شر نوشت، اما نه به شکلی که نظامی نوشته است: آدمی که از بدو تولد خوب است و تا آخر هم خوب می‌ماند و پاداش عملش را می‌گیرد، و آدمی که ذاتاً بد زاده شده و همیشه بدی می‌کند و در آخر مجازات می‌شود. نویسنده امروز می‌تواند داستان خیر و شر بنویسد، اما نمی‌تواند بگوید کسی که ذاتاً شرورزاده شده است، امکان اصلاح ندارد. بنابراین اگر از معاصر بودن حرف می‌زنیم، منظور ابزار و وسایل نیست، بلکه روایت معاصر از جهان است که پیچیده‌تر، متفاوت‌تر و لغزان‌تر از روایت‌های ساده و یک رویه گذشته است.

### ■ چطور می‌توان از کتاب‌های خوب و از پدیدآوردگان کتاب‌های خوب حمایت کرد؟

از طریق رسانه و تبلیغات. ببینید در سال چند گروه به شکل منظم کتاب‌ها را پایش و داوری می‌کنند. منابع مالی و انسانی بسیاری صرف این کار می‌شود. کانون پرورش فکری، شورای کتاب و جشنواره کتاب سال رشد و لاک‌پشت پرنده، همه فهرستی از کتاب‌های برتر و نامزدهایی را منتشر می‌کنند که نظر مثبت داوران را با سلیقه‌ها و نگرش‌های متفاوت جلب کرده‌اند. دانشگاه شیراز که قطب دانشگاهی ادبیات کودک ایران است، هر دو سال عنوان‌هایی از کتاب‌های برگزیده‌ای را که در یک نوع ادبی خاص (مثل رمان یا کتاب‌های بازننگاری) بررسی کرده است، منتشر می‌کند. اما این فهرست‌ها به اندازه کافی به مردم معرفی نمی‌شوند. اگر مردم کتاب‌های خوب را بشناسند، مسلماً دنبال آن‌ها خواهند رفت. این فهرست‌ها و کتاب‌های منتخب معمولاً از تبلیغات مناسب برخوردار نیستند و در عوض، کتاب‌هایی که توزیع سوپرمارکتی دارند و اغلب چندان هم کتاب‌های خوبی نیستند، با شمارگان و توزیع خوب همه‌جا هستند و مردم بیشتر آن‌ها را می‌بینند.

نهادهای و مؤسسه‌هایی که نمایشگاه برگزار می‌کنند، می‌باید بخشی برای عرضه کتاب‌های برگزیده داشته باشند، و گرنه حاصل صرف همه منابع و هزینه‌ها برای انتخاب کتاب‌های منتخب، به چند نویسنده، منتقد و داور که در جریان این داوری‌ها بوده‌اند، محدود خواهد شد و این موجب تأسف جدی است.

# دوری فیزیک از زندگی



«۳۰ جسم فضایی» است که «پدیده فضایی» ترجمه شده است. یعنی حتی عنوان کتاب هم درست ترجمه نشده است. در متن کتاب هم ناآشنایی با مطالبی که ترجمه شده، نمایان است. در واقع با دیدن کتابها ناامید شدم.

## ■ یعنی فکر می‌کنید در سال‌های گذشته وضعیت کتاب‌ها بهتر بود؟

من سال‌های گذشته در جشنواره شرکت نداشتم، ولی چون در زمینه ترجمه فعالیت دارم، با این حوزه آشنا هستم. در کتاب‌های خارجی از سال ۱۹۹۰ تحول بنیادینی صورت گرفته است، به طوری که کتاب‌ها با مسائل روزمره پیوند دارند. مسائل و مثال‌ها خیلی به زندگی روزمره نزدیک‌اند و غالباً هم به صورت جذابی ارائه می‌شوند. متأسفانه تست‌های چهارگزینه‌ای در کتاب‌های ما خیلی دیده می‌شوند؛ چیزی که مدت‌هاست در کشوری مانند انگلستان منسوخ شده است و به کار برده نمی‌شود. اما متأسفانه فعالیت کلی که در زمینه آموزش صورت می‌گیرد چه در فیزیک و چه در سایر دیگر مربوط به تبلیغاتی است که دائماً می‌بینیم و می‌شنویم. بقیه ناشران هم بیشتر در این جهت کار می‌کنند. ذهن دانش‌آموزان را از موضوع‌هایی پر می‌کنند که به کارشان نمی‌آید. مثلاً ممکن است دانش‌آموز ۲۰۰ مسئله حل کند، ولی وقتی با یک مسئله واقعی در زندگی روبه‌رو می‌شود، نمی‌تواند حلش کند. فکر می‌کنم این اشکال کلی نظام آموزشی ماست که متأسفانه خیلی به آن توجه نمی‌شود.

## ■ به نظر شما نیاز اساسی دانش‌آموزان و معلمان در حوزه فیزیک چیست؟

زمانی افراد علاقه‌مند به حوزه آموزش در این بخش کار می‌کردند. کتاب‌های خوبی تولید و در اختیار دانش‌آموزان قرار

منیژه رهبر، سرگروه داوران فیزیک، معتقد است: تبلیغات گسترده و گاه خود نظام آموزشی باعث شده‌اند دانش‌آموزان و معلمان به سمت کتاب‌هایی بروند که تنها ذهن آن‌ها را از اطلاعات انباشته می‌کنند، بی‌آنکه مهارتی را به آن‌ها بیاموزند. این استاد دانشگاه در گفت‌وگو با جوانه، به جای خالی پیوند فیزیک و زندگی روزمره، نوآوری و نیز تجربه‌های معلمان در انتقال مفاهیم، در کتاب‌ها اشاره کرد. موضوعی که باعث شده است، دانش‌آموزان ما سخت تلاش کنند، بدون آنکه بتوانند مسائل واقعی فیزیک را در زندگی حل کنند.

## ■ خانم رهبر، در گروه فیزیک چند عنوان کتاب به دست شما رسید و این آثار بیشتر در چه حوزه‌ای هستند؟

در گروه ما ۹ کتاب بررسی شدند که البته من از این تعداد کم متعجب شدم. بیشتر آثار هم کتاب کار برای دانش‌آموزان و کم‌وبیش یکسان بودند. در واقع، بیشتر آثار شامل تست‌های چهارگزینه‌ای و مسئله‌هایی بودند که کمتر به کاربرد فیزیک در زندگی توجه داشتند. ما فیزیک می‌خوانیم تا در زندگی از آن استفاده کنیم. بنابراین مسائل باید به نحوی مطرح شوند که دانش‌آموزان بتوانند در زندگی از آن‌ها استفاده کنند. متأسفانه در بیشتر کتاب‌ها، غالباً به یک سلسله مسائل مجرد کلی توجه شده بود که معلوم نیست به چه حوزه‌ای مربوط می‌شوند. یکی از کتاب‌های رسیده، یک فصل از یک کتاب دانشگاهی درباره «فیزیک هسته‌ای» را خلاصه کرده است که البته نه فصل‌ها با هم ارتباط منطقی دارند و نه مترجمان روی موضوع مسلط بوده‌اند.

کتابی هم درباره نجوم بود که پیش از آنکه کتاب را ببینم، فکر می‌کردم اثر خوبی باشد. اما از آنجا که رشته مترجم ریاضی است و مبحث مربوط به فیزیک، اشکالاتی دارد. مثلاً عنوان کتاب



اگر توسط افراد علاقه‌مندی که تجربه و تسلط کافی روی موضوع دارند صورت بگیرد، اثر خوب خواهد بود.

### ■ یعنی فکر می‌کنید کتاب‌ها این‌طور نبودند؟

من حتی نوآوری هم در کتاب‌ها نمی‌بینم. مثلاً در مورد الکتروسیته همهٔ مسائل یک شکل هستند. این موضوع در دانشگاه هم دیده می‌شود. دانشجویان گاه مسئله‌های پیچیدهٔ مکانیک کوانتومی را حل می‌کنند، ولی مسئلهٔ ساده‌ای را که صورت آن ناآشناست، نمی‌توانند حل کنند. در واقع صورت مسئله که عوض می‌شود، دیگر از پس حل مسئله بر نمی‌آیند. همه چیز برایشان فرمول‌بندی ریاضی است. نمی‌دانند که مسائل چه ربطی به زندگی و دنیای واقعی دارد.

### ■ به نظر شما دلیل این موضوع چیست؟

فکر می‌کنم نظام آموزشی ما در این زمینه اشکال دارد. آنچه در نظام آموزشی آموزش می‌دهیم، باید در این جهت باشد که دانش‌آموزان مهارتی را کسب کنند. صحبت از این است که کتاب‌های غیراستاندارد به مدرسه‌ها راه پیدا نکنند، اما می‌بینید که این آثار از دورهٔ پیش‌دبستان تا دکترا به‌طور مداوم از صداوسیما تبلیغ می‌شوند.

### ■ به تجربهٔ مؤلفان و تأثیر آن بر نگارش بهتر کتاب‌ها

اشاره کردید. فکر می‌کنید می‌توانیم در این زمینه به معلمانی که تجربهٔ کافی در این زمینه دارند، تکیه کنیم؟ من در این زمینه تجربهٔ «مجله رشد آموزش فیزیک» را دارم. ما در مجله از معلمان می‌خواستیم که تحقیق کنند و نتایجش را برای مجله بفرستند. آن‌ها گمان می‌کردند تحقیق حتماً باید دربارهٔ سیاه‌چاله‌ها و مانند آن باشد. در حالی که قصد ما این بود که از تجربه‌های خود در مدرسه و کلاس بنویسند که خوش‌بختانه به تدریج این اتفاق افتاد. به این منظور باید معلمان را تشویق کنیم که وقتی می‌خواهند تحقیق کنند، مسائلی را که با آن روبه‌رو هستند، حل کنند، نه مسائل خیلی پیچیدهٔ فیزیکی را. گاهی ما فکر می‌کنیم امر سطح بالا موضوعی است که کسی از آن سر در نیورد، در صورتی که اگر به موضوعی مسلط باشید و بتوانید آن را به زبانی بیان کنید که برای همه قابل فهم باشد، خود امری مهم است. در خارج از کشور بسیاری از استادان بعد از بازنشستگی روی مسائل آموزش کار می‌کنند و تجربه‌هایشان را توصیه می‌کنند. اما متأسفانه در جامعهٔ ما کمتر رواج دارد. خوب است که معلمان در این زمینه فعالیت کنند.

می‌دادند. الان موضوع حالت تجاری به خود گرفته است. عده‌ای کتاب‌هایی را با تبلیغات زیاد به دانش‌آموزان توصیه و آن‌ها را مجبور می‌کنند که این کتاب‌ها را بخوانند. شما می‌بینید که دانش‌آموزان زحمت زیادی می‌کشند، ولی بی‌کارند. این نشان می‌دهد، آنچه یاد می‌گیرند مهارتی نیست که با آن بتوانند فعالیتی کنند یا مسئله‌ای را که کشور با آن روبه‌روست، حل کنند. به نظرم مشکل اینجاست که ما سخت می‌کوشیم، بدون اینکه نتیجهٔ زیادی به دست آوریم.

### ■ فکر می‌کنید سیاست‌گذاری ناشران در این زمینه می‌تواند کمک‌کننده باشد؟

بله. الان اگر کتاب خوبی هم منتشر شود، چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. چون ناشر بودجهٔ زیادی برای تبلیغ ندارد یا کسانی نیستند که کتاب را توصیه کنند. متأسفانه الان تمرکز تبلیغات بر کتاب‌هایی است که فایده چندانی برای دانش‌آموزان ندارد.

### ■ پس فکر می‌کنید ناشرانی که آثار استاندارد و مناسبی تولید می‌کنند، به خاطر نداشتن تبلیغات مناسب یا صدای بلند تبلیغات، آثارشان دیده نمی‌شود.

بله. ما چند هزار ناشر داریم، اما شمارگان کتاب‌ها بیش از ۵۰۰ نسخه نیست. به نظرم بیشتر ناشران انگیزهٔ تجاری دارند تا اینکه اندیشهٔ خدمت داشته باشند. بیشتر کتاب‌هایی که منتشر می‌شوند، به حوزهٔ کمک‌درسی و کتاب کار مربوط می‌شوند. کتاب کار هم باید موارد و مسائلی را مطرح کند که به دانش‌آموزان کمک کند، آنچه را آموخته‌اند در زندگی به کار ببرند.

### ■ تفاوتی میان کتاب‌های تألیفی و ترجمه‌ای وجود داشت؟

وقتی از تألیف حرف می‌زنیم، منظورمان افرادی است که در زمینه‌ای کار کرده‌اند و تجربه دارند و بر اساس تجربیاتشان کتابی می‌نویسند. اما کتاب‌هایی که ما به‌عنوان تألیف می‌شناسیم، خیلی هم تألیفی نیستند. یعنی فرد تکه‌هایی از کتاب‌های متفاوت را کنار هم گذاشته است، آن هم غالباً به‌طوری که ارتباط منطقی ندارند. یا اینکه بر اساس تجربه‌شان نوشته نشده است. دربارهٔ ترجمه هم برخی فکر می‌کنند، همین‌که با استفاده از فرهنگ لغت معنی کلمات را کنار هم بگذارند، ترجمه کرده‌اند. در حالی که مترجم باید با زبان مبدأ و مقصد و موضوع آشنایی داشته باشد تا مفهوم را طوری بیان کند که قابل فهم باشد. برای اینکه بتوانید موضوعی را به کسی یاد بدهید، ابتدا باید موضوع برای خودتان کاملاً روشن باشد. بنابراین، چه تألیف و چه ترجمه،

# کتاب خوب خواننده را به تفکر وامی‌دارد



می‌رسند، این کمبود را دارند. ■ کتاب‌هایی که به گروه شما رسیده‌اند تا چه حد با برنامه‌ی درسی همسویی دارند؟ بیشتر نویسندگان و ناشران برنامه‌ی درسی را نمی‌شناسند و فقط بخش اندکی از کتاب‌های آن‌ها با موضوع‌های آموزشی ارتباط دارد. چارچوب هر ماده‌ی درسی را برنامه‌ی درسی و اسناد بالادستی آن تعیین می‌کند که بی‌توجهی به آن، بسیاری از کتاب‌های چاپ‌شده را برای مخاطبان حوزه‌ی آموزش، چه معلم و چه دانش‌آموز، غیرقابل استفاده می‌کند.

■ با توجه به آشنایی معلمان با نیازهای خود و دانش‌آموزان، فکر می‌کنید می‌توان برای تألیف کتاب مناسب به آن‌ها تکیه کرد؟ بله. معلمان با علاقه‌ها و نیازهای دانش‌آموزان و با هدف‌های آموزشی آشنا هستند، بنابراین بهره گرفتن از توان و تجربه‌ی معلمان در تألیف کتاب‌های آموزشی می‌تواند راهگشا باشد.

■ معلمانی که بخواهند در این حوزه دست به تألیف بزنند، باید چه پیش‌شرط یا ویژگی‌هایی داشته باشند؟ پیش‌شرط نوشتن، مطالعه و افزایش اطلاعات و آگاهی است. در موضوع‌های تاریخی باید قوه‌ی تحلیل را هم بالا ببرند. معلمان در کنار این ویژگی‌ها باید توانایی نوشتن را در خود تقویت کنند. روان‌نویسی و ساده‌نویسی را تمرین کنند و سطح درک و فهم مخاطبان را در نظر داشته باشند و از عناصر بصری، مانند تصویر، نقشه، نمودار و... در انتقال مفاهیم کمک بگیرند.

■ آیا کوششی برای تولید کتاب‌های متفاوت و خلاقانه در حوزه تاریخ از سوی ناشران دیدید؟ همه‌ی ناشران در یک سطح نیستند. خوش‌بختانه در سال‌های اخیر تعدادی از ناشران دیدگاه خود را در مورد موضوع‌های کتاب‌های آموزشی و ویژگی‌های آن‌ها تقویت کرده‌اند، اما تا رسیدن به سطح مطلوب راه درازی در پیش است. خلاقیت‌هایی هم در این زمینه‌ها دیده می‌شوند که نمی‌توان منکر آن‌ها شد.

■ نقش جشنواره کتاب رشد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ در مقایسه با گذشته، در دهه‌ی اخیر سطح کیفی کتاب‌های جشنواره از روندی رو به رشد برخوردار بوده است. این موضوع نشان می‌دهد که جشنواره تأثیرگذار بوده و ارتباط مناسبی با مؤلفان و ناشران برقرار کرده و بایسته‌های حوزه‌ی آموزش را منتقل کرده است. هرچند کتاب‌ها هنوز با سطح مطلوب و موردنظر جشنواره فاصله دارند. علاوه بر این، تعیین خط‌مشی و تدوین معیارهای مناسب برای ارزیابی کتاب‌ها و ارتباط مفید و مناسب با داوران را می‌توان به کارنامه‌ی قابل قبول جشنواره افزود.

در شانزدهمین دوره جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد، گروه تاریخ ۲۶ عنوان کتاب را بررسی کرد. حشمت‌الله سلیمی، داور این گروه، معتقد است: بی‌توجهی به برنامه‌ی درسی، بسیاری از کتاب‌های چاپ‌شده را برای مخاطبان حوزه‌ی آموزش، چه معلم و چه دانش‌آموز، بی‌استفاده می‌کند. به عقیده او یک کتاب خوب باید خواننده را به تفکر عمیق تر وادارد.

■ چند عنوان کتاب به گروه تاریخ رسید و کیفیت آن‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۲۶ عنوان کتاب به گروه ما رسید، که از نظر کیفیت در یک سطح نیستند. کتابی که همه‌ی ویژگی‌های کیفی را از نظر تصویر و صفحه‌آرایی، زیبایی متن و اندازه حروف، و دیگر شاخص‌ها داشته باشد، کم پیدا می‌شود.

■ موازنه آثار تألیفی و ترجمه‌ای چگونه است؟ امسال تنها یک کتاب ترجمه‌ای به گروه رسیده است که ترجمه‌ای قوی، روان، یکدست و شیوا دارد. از نظر محتوایی و روش هم، بیشتر ویژگی‌های یک کتاب مناسب را دارد. بنابراین به جرئت می‌توان گفت که این کتاب از بسیاری از کتاب‌های تألیفی برتر است. بین آثار تألیفی هم تعداد کمی کتاب پیدا می‌شود که ویژگی‌های یک کتاب آموزشی مناسب را دارند.

■ آیا کتاب ترجمه‌ای با نیاز مخاطب ایرانی سازگاری دارد؟ طبیعی است که همه‌ی ترجمه‌ها نمی‌توانند نیاز مخاطبان را برآورده کنند؛ چون بر اساس نیاز مخاطب ایرانی نوشته نشده‌اند و بسیاری از مترجمان هم کتاب‌ها را صرفاً بر اساس علائق خود انتخاب و ترجمه کرده‌اند. با این حال بین کتاب‌های ترجمه‌ای کتاب‌هایی هست که مترجم به نیاز مخاطب توجه داشته است.

■ به نظر تان در این حوزه، اصلی‌ترین نیاز مخاطبان در زمینه منابع آموزشی چیست؟

کتاب‌های درسی به خاطر محدودیت حجم و زمان تدریس نمی‌توانند تمامی زاویه‌های موضوع‌ها را بشناسانند. کتاب آموزشی باید هم دانش بیشتری به مخاطب بدهد و هم آنان را به تفکر عمیق تر وادارد.

■ در تولیدات این حوزه با چه کمبودهایی روبه‌رو هستیم؟ تعداد کتاب‌هایی که به هدف‌های آموزشی مواد درسی و کتاب‌های درسی توجه دارند، کم است. علت این است که نویسندگان چندان با هدف‌های آموزشی آشنا نیستند. ممکن است کتابی برای مخاطب عام، جذاب باشد، اما هدف‌های آموزشی را پوشش ندهد. بسیاری از کتاب‌هایی که به جشنواره

دیانا فردین، سرگروه داوران ریاضی:

# نیاز واقعی و گم شده



یکی از مهم‌ترین معیارهای جشنواره همسویی کتاب‌های آموزشی با رویکردهای و اهداف برنامه درسی است. در کتاب‌ها تا

چه حد به این موضوع توجه شده است؟ با عنایت به اینکه اغلب کتاب‌ها ترجمه‌ای بودند، طبیعی است که نباید انتظار داشت برنامه درسی ایران را پوشش بدهند.

با توجه به آشنایی معلمان با نیازهای خود و دانش‌آموزان، فکر می‌کنید می‌توانیم برای تألیف کتاب مناسب به آن‌ها تکیه کنیم؟

متأسفانه به دلیل فضای حاکم بر جامعه آموزشی، اغلب معلمان و دانش‌آموزان نیاز واقعی خود را تحت تأثیر تبلیغات بیرونی گم کرده‌اند، اما برای تألیف و ترجمه، حتماً باید متخصص آموزش ریاضی بود.

بین کتاب‌هایی که بررسی کردید، آیا کوششی از سوی ناشران برای تولید کتاب‌های متفاوت و خلاقانه در حوزه ریاضی دیدید؟

به دلیل فضای اقتصادی حاکم بر حوزه نشر، به ندرت ناشرانی پیدا می‌شوند که بازار نشر کتاب‌های ارزشمند و متأسفانه کم‌تقاضا را، به بازار پررونق کتاب‌های کمک‌درسی چهارگزینه‌ای ترجیح دهند. بنابراین خلاقیت کمتری هم دیده می‌شود.

نقش جشنواره کتاب رشد را در این سال‌هایی که برگزار شده است، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بسیار مثبت؛ به دلیل ایجاد نقطه تأملی برای ناشران تا تولیداتشان مورد داوری و قضاوت قرار گیرد و از طرف دیگر، آن‌ها را به عرصه رقابتی کشانده که فرجام آن تولید کتاب‌های باکیفیت است.

از هفت عنوان کتابی که در گروه ریاضی بررسی شده‌اند، شش عنوان اثر ترجمه‌ای هستند و به همین دلیل، نه با برنامه درسی

ریاضی ایران هم‌خوانی دارند، نه به نیاز مخاطب ایرانی پاسخ می‌دهند. دیانا فردین، داور گروه ریاضی،

معتقد است: جای کتاب‌هایی که ضمن ایجاد علاقه، به کودک فکر کردن را بیاموزند، خالی است. علاوه بر این، به دلیل فضای حاکم بر جامعه آموزشی، اغلب معلمان و دانش‌آموزان نیاز واقعی خود را تحت تأثیر تبلیغات بیرونی گم کرده‌اند.

چند عنوان کتاب به گروه شما رسیده است و کیفیت آن‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

هفت عنوان کتاب را در گروه ریاضی بررسی کردیم که از سطح خیلی خوبی برخوردار نبودند. ضمن اینکه از این هفت کتاب، شش عنوان ترجمه‌ای بودند که کیفیت نسبتاً بالاتری داشتند. اما مشخص است که در کتاب‌های ترجمه‌ای نیاز مخاطب ایرانی لحاظ نمی‌شود؛ اگرچه ممکن است کیفیت بالاتری داشته باشند.

اصولاً در تولیدات این حوزه با چه کمبودهایی روبه‌رو هستیم و ریشه آن‌ها را در چه می‌بینید؟

در تولیدات این حوزه بیشتر با کمبود یا نبود کتاب‌هایی مواجهیم که ضمن ایجاد علاقه، به کودک فکر کردن را بیاموزند. چنانچه افراد متخصص در حوزه نشر حضور داشته باشند و در تولیدات این حوزه دخالت داده شوند، به نظر وضعیت بهتر خواهد شد.

به نظر تان اصلی‌ترین نیاز مخاطبان در این حوزه چیست؟ کتاب‌هایی که به بچه‌ها طعم خوش یادگیری را بچشانند و در آن‌ها، لذت، انگیزه و علاقه به آموختن ایجاد کند که متأسفانه کمتر دیده شد.





با حوری قاهری، سرگروه داوران مطالعات اجتماعی:

# معلمان توانمند دیده شوند



نیست و همه کتابها در پرداخت قصه تقریباً یکسان هستند و خلاقیتی در آنها دیده نمی‌شود. البته کتابها رنگها و تصویرگری خوبی دارند، اما به لحاظ محتوایی جذاب نیستند.

در حوزه ما، کتابهای اطلس خیلی دیده می‌شوند، به طوری که هر سال به دست ما می‌رسند، مثل اطلس مردم‌شناسی، اطلس جنگ‌ها، اطلس جغرافیایی و... تقریباً همیشه کتابهای این حوزه یکسان هستند. من اثر نوآورانه‌ای را که ایده و شکل روایی جذابی داشته باشد، ندیدم. به طور کلی به نظر من، کتابهایی که امسال به دستمان رسیدند، کتابهای چندان خوبی نبودند.

## ■ به نظر تان آثار سال‌های گذشته بهتر بودند؟

در بعضی از سال‌ها کتابی می‌دیدیم که احساس می‌کردیم، مؤلف برای آن وقت گذاشته است؛ ایده و پرداخت جالبی دارد. ولی کتابهای امسال تقریباً یک‌شکل‌اند.

## ■ اشاره کردید که در مطالعات اجتماعی سه حوزه تاریخ، جغرافیا و مدنی را بررسی می‌کنید. آیا کتابهای یک حوزه بر دیگری غلبه داشت؟

فکر می‌کنم کتابهای بخش مدنی بیشتر بودند و تاریخ به شکل عجیبی خیلی کم بود. یک کتاب در حوزه تاریخ جالب بود که شکل روایی خوبی داشت. هر چند مؤلف دچار شتابزدگی شده بود، ولی ایده خوبی داشت. در حوزه جغرافیا هم بیشتر کتابها حوزه عمومی را شامل می‌شدند.

## ■ خانم قاهری، اساساً در حوزه مطالعات اجتماعی نیاز مخاطبان چیست؟

با توجه به اینکه من معلمم و به دلیل همکاری با گروه مطالعات

«مطالعات اجتماعی» از جمله حوزه‌های یادگیری است که خود سه حوزه تاریخ، جغرافیا و مدنی را دربرمی‌گیرد. با وجود این تنوع، تنها ۵۶ عنوان کتاب به مرحله نهایی گروه دآوری علوم و مطالعات اجتماعی رسیده‌اند.

حوری قاهری، داور این گروه، معتقد است: نبود ارتباط

مناسب میان معلم، مؤلف و ناشر باعث شده است کتابها به نیازهای اصلی مخاطبان نپردازند. از سوی دیگر، بی‌توجهی به تلاشها و فعالیت‌های معلمان توانمند، آنها را برای تولید اثر متناسب با نیاز معلمان و دانش‌آموزان بی‌انگیزه می‌کند.

## ■ چند عنوان کتاب در این دوره از جشنواره به گروه مطالعات اجتماعی رسیده است؟

۵۶ عنوان کتاب که ۲۳ عنوان درجه یک و بقیه درجه دو بودند. کتابهای درجه یک آنهایی هستند که در ارزشیابی اولیه بیشتر از ۸۰ امتیاز گرفته‌اند. می‌توان گفت تعداد کتابهای درجه یک کم بود و اغلب کتابها، هم به لحاظ محتوایی و هم از نظر کیفیت، سطح خوبی نداشتند.

## ■ یعنی به طور کلی ارزیابی مثبتی نسبت به کتابها ندارید؟

ابتدا این توضیح را بدهم که ما حوزه مطالعات اجتماعی را بررسی می‌کنیم؛ یعنی سه حوزه تاریخ، جغرافیا و مدنی برای مخاطب دانش‌آموز و معلم که البته برخی از آنها خیلی تخصصی هستند. علمی مانند اقتصاد نیز در دوره‌های ابتدایی و متوسطه اول در همین حوزه مطالعه می‌شوند. به نظرم امسال کتابها خوب نبودند. تعداد زیادی از کتابهایی که به عنوان درجه یک به دست ما رسیده‌اند، مجموعه هستند. مثلاً ۱۳ عنوان کتاب در مورد موضوعی مانند بیمه. علاوه بر این، در داستانها هم هیچ خلاقیتی نیست. یعنی روال داستان برای دانش‌آموز جذاب



است. از سوی دیگر، معلم و مؤلف اگر بخواهند خودشان اقدام به چاپ کتاب کنند، در آخر چیزی دستشان را نمی‌گیرد. در آموزش و پرورش هم، حتی اگر معلم چند کتاب نوشته باشد، هیچ مزیتی برایش محسوب نمی‌شود. در ارزیابی‌ها بندی برای امتیاز تألیف وجود داشت که امسال آن را حذف کرده‌اند. مثلاً برخی همکاران مقاله نوشتند یا در تدوین سند تولید کتاب‌های غیردرسی حوزه مطالعات اجتماعی همکاری داشتند یا داور جشنواره رشد و عضو هیئت تحریریه مجلات رشد بودند، اما چنین فردی هیچ فرقی با معلم دیگر ندارد. آیا برای چنین فردی انگیزه‌ای باقی می‌ماند؟ به خصوص که این فعالیت‌ها سود مادی هم ندارند و فرد بر اساس عشق و علاقه همکاری می‌کند. معلم دست به قلم، خلاق و علاقه‌مند اصلاً در آموزش و پرورش دیده نمی‌شود و همه را یکسان در نظر می‌گیرند. پس طبیعی است که معلم ما از نوشتن و حتی از خواندن استقبال نکنند.

■ **گسترش وسایل ارتباط جمعی باعث شده است دانش‌آموزان ما با دنیای وسیع‌تری ارتباط داشته باشند. در کتاب‌های حوزه مطالعات اجتماعی این موضوع به چشم می‌خورد؟**

سال گذشته چند کتاب درباره این موضوع داشتیم، ولی امسال چندان به آن نپرداخته‌اند. ضمن اینکه وقتی از ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی حرف می‌زنیم، باید این‌ها را کلاس درس‌مان ببینیم. یعنی این حوزه در آموزش وجود داشته باشد تا معلم احساس نیاز کند و به دنبال اطلاعاتی پیرامون آن باشد. ما در تهران که پایتخت است، برای اینکه کلاس‌مان هوشمند شود، دوندگی می‌کنیم و به نتیجه نمی‌رسیم. البته اینکه ما در کلاس پروژکتور و پرده داشته باشیم، به معنی هوشمند شدن نیست. این‌ها فقط سخت‌افزاراند. هوشمندسازی یعنی اینکه جریان آموزش در آن فضا انجام شود و امکان مبادله اطلاعات با دانش‌آموزان در آن فضا وجود داشته باشد، اما عملاً آن فضا در کشور ما وجود ندارد. فقط برخی سخت‌افزارها در برخی مدرسه‌ها وجود دارند. علاوه بر این، محتوا هم به گونه‌ای نوشته نشده است که ارتباط تنگاتنگی با این موضوع داشته باشد. به معلم هم آموزش داده نشده است. مثلاً ما تخته هوشمند داریم، اما معلم از ماژیک استفاده می‌کند؛ چون حتی آموزش استفاده از این سخت‌افزار را ندیده است.

#### ■ **و نکته آخر؟**

در بازار کتاب، آثار خوبی را می‌بینیم که به جشنواره نیامده‌اند. اگر ناشران از جشنواره اطلاع ندارند که موضوع قابل نقدی است و اگر تمایل به شرکت در آن ندارند که باید پرسید چرا؟

اجتماعی دفتر تألیف کتاب‌های درسی، با معلم هر دو دوره تحصیلی ارتباط دارم و به‌عنوان مدرس در خدمت آن‌ها بوده‌ام، آنچه که دیده‌ام، ضعف دانش بود. یعنی ما همیشه پیشنهاد برگزاری کارگاه‌ها یا کلاس‌های دانش‌افزایی را برای معلمان ارائه می‌دادیم.

مؤلف و ناشر باید از سرفصل‌ها و هدف‌های کتاب مطلع باشند و بدانند معلم در آن زمینه به چه اطلاعات اضافه‌ای نیاز دارد تا در آن حوزه مطلب و کتاب داشته باشیم. مثلاً طی این سال‌ها کتاب‌های حوزه جغرافیا همواره ضعیف بوده‌اند. در حالی که اتفاقاً این بخش، بخشی است که معلم حتی در دوره ابتدایی به اطلاعات احتیاج دارند. با توجه به اینکه برخی از مفاهیم جغرافیا را برای معلمان ابتدایی تدریس کرده‌ام، می‌دانم که کجا ضعف وجود دارد و چقدر این ضعف قابل توجه و درخور عنایت افرادی است که دستی به قلم دارند.

■ **شاید اصلاً ناشران ما درباره این موضوع اطلاعی ندارند. بله، من فکر می‌کنم این ارتباط کم است. آدم‌های مطلع با آدم‌هایی که ابزار دارند، ارتباط کمی دارند. یعنی ارتباط ناشر با معلم و معلم با مؤلف کم است؛ در نتیجه نیازها دیده نمی‌شوند.**

■ **شاید هم صدای معلمان برای بیان نیازها چندان بلند نیست.**

در نظام آموزش و پرورش ما تفاوت چندان میان معلم توانمند و معلمی که توانمند نیست، وجود ندارد. ملاک‌هایی هم که معلمان را ارزیابی می‌کنند، این موضوع را نمی‌بینند. پس در معلم انگیزه‌ای برای آموختن ایجاد نمی‌شود. یعنی چه معلم توانمند باشد چه معلمی باشد که فقط به کتاب اکتفا کند، تفاوتی دیده نمی‌شود. این موضوع خود نوعی بی‌انگیزی را به همراه دارد. گاهی برای کتاب‌های جدید تألیف گروه‌هایی تشکیل می‌شوند که معلمان استقبال زیادی از آن‌ها می‌کنند. مثلاً اگر مفهومی برای معلمی ناآشنا باشد، بقیه به او کمک می‌کنند. حتی معلمی که توانمند نیست، دوست دارد با چنته پر سر کلاس حاضر شود. نبود ارتباط بین ناشر، معلم و مؤلف هم باعث می‌شود، کتاب خوب نداشته باشیم. البته مسائل دیگری هم باعث این موضوع می‌شوند؛ یعنی موضوع ریشه‌ای‌تر از این است.

■ **معلمانی حتی اگر بی‌انگیزه باشند، به نیازهای خود و دانش‌آموزان واقف‌اند. آیا فکر می‌کنید با توجه به این موضوع می‌توانیم برای تألیف کتاب‌های مناسب به آن‌ها تکیه کنیم؟**

بله. ما در میان معلمان افراد توانمند زیادی داریم، اما باید کاری کنیم که انگیزه نوشتن پیدا کنند. کار تألیف کاری زمان‌بر

# تغییر رویکرد کتاب‌های عربی از قاعده‌محوری به درک متن



تغییر کرده‌اند، اما این تغییر نگرش نسبت به درس عربی در کتاب‌ها دیده نمی‌شود. یعنی کتاب‌ها از نوآوری و به‌روز بودن دور هستند. خلأ خلاقیت و نوآوری در آن‌ها دیده می‌شود. کتاب‌ها قدیمی هستند؛ حتی کتاب‌های تست.

در کتاب‌های نونگاشت عربی، رویکرد آموزشی تغییر کرده است. یعنی از شیوه «قاعده‌محور» به شیوه «ترجمه‌محور» تغییر یافته است. این تغییر رویکرد در جهت تقویت مهارت‌های چهارگانه زبانی، شامل نوشتن، خواندن، شنیدن و سخن گفتن است تا بتوانیم به فهم بهتر قرآن کریم دست پیدا کنیم. ضرورت و اهمیت درس عربی تا اندازه‌ای است که در اصل ۱۶ قانون اساسی بر الزام تدریس این درس تا پایان دوره متوسطه تأکید شده است. با توجه به این اهمیت‌ها و با توجه به تأکید جشنواره و هدف آن، وقتی کتاب‌هایی را انتخاب می‌کنیم که فقط سمت‌وسوی کنکور دارند، آیا جایی برای تربیت باقی می‌ماند؟

## ■ یعنی فکر می‌کنید کنکور به تولید کتاب‌های

کمک آموزشی و تربیتی جهت می‌دهد؟

کنکور الزامات خاص خود را دارد و مسیر پایانی ۱۲ ساله دانش‌آموز را مشخص می‌کند. بنابراین نباید انتظار داشته باشیم که به هدف‌های آموزشی مندرج در «سند تحول بنیادین» دست پیدا کنیم. گرچه در وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و جشنواره رشد زحمات بسیاری کشیده شده است، ولی کتاب‌هایی که در اختیار ما قرار گرفته‌اند، اثری هستند که پنج عنوان آن‌ها ارتباط مستقیم با کنکور دارند. نکته جالب اینجاست که شیوه نویسندگی این کتاب‌ها دقیقاً مانند کتاب‌های کنکور گذشته است. تغییر رویکرد در کتاب‌ها لحاظ شده، ولی شیوه نویسندگی فاقد خلاقیت است. به همین

فقدان خلاقیت و نوآوری، بی‌توجهی به تغییر رویکرد کتاب‌های درسی، و توجه به کنکور، باعث شده است کتاب‌های زبان عربی چندان مورد توجه داوران این حوزه قرار نگیرند. معصومه ملکی، یکی از داوران این گروه، معتقد است:

رویکرد کتاب‌های نونگاشت عربی از «قاعده‌محوری» به «ترجمه‌محوری» تغییر کرده است که این موضوع در کتاب‌ها دیده نمی‌شود. جای نحو کاربردی هم در این کتاب‌ها خالی است. وی با اشاره به اینکه در حال حاضر کنکور پایان مسیر ۱۲ ساله دانش‌آموزان را مشخص می‌کند، غلبه جنبه آموزشی آثار بر جنبه تربیتی و پرورشی آن‌ها را یکی از آسیب‌های جدی کتاب‌های این حوزه می‌داند.

## ■ چند عنوان کتاب به گروه زبان عربی، رسید؟

هفت عنوان کتاب به دست ما رسید. پنج عنوان مربوط به دوره اول متوسطه است و دو کتاب برای بزرگسالان که معلمان یا دانشجو-معلمان می‌توانند برای ارتقای آموزشی خود از آن‌ها استفاده کنند. ولی کتاب‌ها از لحاظ محتوایی نکته جدیدی ندارند. نوآوری در آن‌ها دیده نمی‌شود و بیشتر در حوزه ترجمه هستند. کتاب‌های دانش‌آموزی هم کتاب کار هستند که حتی بعضی از عبارت‌هایشان را عیناً از خود کتاب درسی اخذ کرده‌اند.

## ■ پس به نظر تان نیازهای اصلی مخاطبان چندان مورد توجه نبوده‌اند؟

کتاب‌هایی که به دست ما رسیده‌اند، ۱۰ درصد کتاب‌های عربی بازار هم نیستند. کتاب‌های قوی‌تری در بازار وجود دارند که به جشنواره نیامده‌اند. حتی برخی از کتاب‌ها از نظر صحافی هم جالب نیستند. علاوه بر این، سرفصل‌های درس‌های دانشگاهی ما



دلیل کتاب‌ها همانند گذشته به شیوه تست‌های معمولی نوشته شده‌اند.

### ■ اشاره کردید که دو کتاب هم برای معلمان و دانشجویان مناسب بوده است. آن‌ها را چطور ارزیابی می‌کنید؟

برای این کتاب‌ها هم زحمت زیادی کشیده شده بود، ولی می‌توانیم آسیب‌شناسی هم نسبت به آن‌ها داشته باشیم. نگرش ما نسبت به درس عربی تغییر کرده است. رویکرد کتاب‌های جدید عربی، اسناد بالادستی و دوره‌های دانشگاهی تغییر یافته است. امروزه در حوزه زبان و ادب عربی، نحو کاربردی حرف اول را می‌زند. نحو کاربردی قواعد را در حد لزوم برای دانش‌آموز و دانشجو ضروری می‌داند و در حدی به آن می‌پردازد که بتواند به تقویت مهارت‌های چهارگانه زبانی او کمک کند. پس پرداختن به قواعد پیچیده و معماگونه مطرح نیست. در این کتاب‌ها این رویکرد دیده نمی‌شود. یعنی کتاب‌ها با همان آسیب‌هایی که در کتاب‌های قبلی وجود داشته‌اند، روبه‌رو هستند.

علاوه بر این، یک سلسله عیب هم در آن‌ها دیده می‌شود. مثلاً در این کتاب‌ها گرایش‌های فلسفی و منطقی بر مطالعات نحوی چیره شده‌اند. مثال‌های ساختگی و شواهدی که می‌آیند، باید در نحو کاربردی به فهم و درک بیشتر دانش‌آموزان و سخن‌گفتن آن‌ها کمک کنند که این‌طور نبودند.

با توجه به این‌ها فکر می‌کنم کتاب‌های مورد بحث از هدف‌های جشنواره دوره هستند. همچنین، مهم‌ترین حلقه مفقوده که در این کتاب‌ها دیده می‌شود، جنبه تربیتی است. البته با توجه به اینکه کتاب‌ها سمت‌وسوی کنکور دارند و با این هدف نگاه‌شده‌اند، چنین چیزی دور از انتظار نیست که کتاب‌ها بیشتر جنبه آموزشی داشته باشند.

### ■ خانم ملکی، اساساً در حوزه زبان عربی معلمان و دانش‌آموزان با چه نیازهایی روبه‌رو هستند؟

برای معلمان باید دوره‌های آشنایی با روش‌های نوین تدریس برگزار شود. خلأیی که دیده می‌شود آن است که معلمان با روش‌های نوین تدریس آشنا نیستند. کتاب‌هایی که این روش‌ها را آموزش می‌دهند هم قدیمی‌اند و قابل استفاده نیستند. ما باید وارد این حوزه شویم.

برای دانش‌آموزان هم، با توجه به اینکه سطوح شناختی تغییر کرده‌اند و در برنامه درسی ملی، به سطوحی از جمله پرداختن به تعقل، ایمان و علم، و رابطه‌ای که کتاب‌های درسی با خود، خدا، خلق و خلقت برقرار می‌کند، تبدیل شده‌اند، باید این سمت‌وسو را در نگارش کتاب‌ها لحاظ کنیم.

### ■ نظر تان درباره فعالیت معلمان در زمینه تألیف کتاب

### چيست؟ به هر حال آن‌ها براساس تجربه‌ای که دارند، از نیازهای خود و دانش‌آموزان آگاه هستند.

تنها گروهی که می‌توانند مؤثر و مفید واقع شوند، معلمان عزیز هستند. ما در حوزه تألیف کتاب‌های درسی هم از معلمان باید بیشتر بهره بگیریم. یعنی درباره نیاز معلم، میزان توانایی او در کلاس درس و میزان مطالبه دانش‌آموزان نیازسنجی نشده است. اگر بدانیم مطالبه دانش‌آموز چه میزان است، حتماً کتاب‌های بهتری را می‌توانیم تألیف کنیم. چه کسی در ارتباط بیشتر و بهتر با دانش‌آموز است غیر از معلم؟ تجربه‌های معلمان صد در صد می‌تواند در این زمینه کمک‌کننده باشد.

### ■ جشنواره رشد امسال شانزدهمین دوره خود را می‌گذراند. فکر می‌کنید در سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی حوزه عربی، این جشنواره تا چه حد موفق عمل کرده است؟

جایگاه کتاب‌های عربی، چه کمک‌آموزشی و چه تربیتی، در جشنواره رشد بسیار خالی است. در دوره‌های قبل هم خیلی به این حوزه پرداخته نشده است. در دو سه دوره اخیر است که چند کتاب معرفی شده‌اند. باید توجه داشت که اگر یک کتاب کمک‌آموزشی نامناسب را به‌عنوان کتاب برتر معرفی کنیم، آیا بر کتاب‌های کنکور و تست صحنه نگذاشته‌ایم؟ درحالی که قرار است از این موضوع پرهیز کنیم.

وزارت آموزش و پرورش می‌گوید قرار نیست دانش‌آموز را با کتاب تست تربیت کنیم. یا با کتاب‌هایی غیر از کتاب درسی، فراغ‌بال، آرامش و خلاقیت را از دانش‌آموزان بگیریم. حلقه مفقوده در این کتاب‌ها، خلاقیت و نوآوری است. چرا که چهارسوی آن‌ها به کنکور می‌پردازد. کنکور شاکله‌ای دارد که علم را در حد بازآموزی مطالب و آموخته‌ها می‌خواهد و در نهایت به درک و فهم در درس‌هایی مانند فیزیک و ریاضی می‌رسد. ولی در خیلی از درس‌ها در حد بازآموزی‌اند. این‌گونه است که خلاقیت و نوآوری از دانش‌آموز گرفته می‌شود.

به نظر من جشنواره رشد باید کمی تغییر شیوه بدهد. اگر ما همین کتاب کار را معرفی کنیم، خواه‌ناخواه دانش‌آموز و معلم را به استفاده از آن‌ها ترغیب کرده‌ایم. کتاب‌های کاری که به دست ما رسیده‌اند، واقعاً در سطح نازلی قرار دارند، درحالی که در بازار کتاب، کتاب‌های پربارتری هم هستند که احتمالاً در سال‌های گذشته منتشر شده‌اند. در هر صورت مخالف آنم که کتاب کاری مملو از هدف‌های آموزشی و خالی از مفاهیم تربیتی و پرورشی را به‌عنوان یک الگوی عینی معرفی کنیم. امیدوارم در دوره‌های بعدی جشنواره به این موضوع توجه شود.

# حوزه‌ای با موضوعات متنوع و کتاب‌های کم



مخاطب آگاهی خوبی دارند و می‌توان در تألیف کتاب‌ها به آن‌ها تکیه کرد. می‌توان از ابزار نیازسنجی و نظرسنجی هم کمک گرفت.

■ بین کتاب‌های بررسی شده، آیا توجه ویژه‌ای برای تولید کتاب‌های متفاوت و

خلاقانه از سوی ناشران دیدید؟

ناشران باید در زمینه آموزش مهارت‌های عملی، مهارت‌های فناوری اطلاعات، یادگیری مبتنی بر پروژه، حل مسئله، تولید ایده و محصول، و سایر موضوع‌های کاروفناوری فعالیت کنند و این موارد را با شیوه‌های خلاقانه ارائه کنند. متأسفانه فعالیت در این زمینه‌ها بسیار محدود است.

■ اصولاً در تولیدات این حوزه با چه کمبودهایی روبه‌رو

هستیم و ریشه آن‌ها را در چه می‌بینید؟

تعداد کتاب‌ها در مبحث پرورش خلاقیت و نوآوری، دست‌ورزی و مهارت‌آموزی، فعالیت عملی براساس پروژه، و معرفی مشاغل کم بود. به نظرم بی‌اطلاعی ناشران از نیازهای مخاطبان و برنامه‌دستی باعث ایجاد این کمبودها می‌شود.

کتاب‌ها و منابعی که محتوای آن‌ها به‌روز باشد و با شیوه‌های خلاقانه مهارت‌های مورد نیاز را با توجه به شرایط و امکانات و وضعیت بومی و فرهنگی کشور، به مخاطبان انتقال و آموزش دهند، از اصلی‌ترین نیازهای ما در این حوزه است.

■ یکی از معیارهای جشنواره همسویی کتاب‌ها با برنامه‌دستی است. تا چه حد به این موضوع توجه شده است؟

در برنامه‌دستی کاروفناوری کسب این شایستگی‌ها مدنظرند: الف. شایستگی‌های محوری غیرفنی، مانند شایستگی‌های روابط بین‌فردی، تفکر، شخصیتی، کسب‌وکار، و نیز شایستگی‌های اجتماعی و زندگی اخلاقی و کارآمد؛

ب. شایستگی‌های پایه فنی و فناورانه و توسعه حرفه‌ای مورد نیاز نیروی کار حرفه‌ها و شغل‌های گوناگون، مانند رعایت بهداشت و ایمنی فردی و محیطی محیط کار، بلوغ حرفه‌ای، به‌کار بردن ابزارهای پایه در بخش‌های مختلف و...؛

ج. شایستگی‌های مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات؛

د. شایستگی‌های حرفه‌ای مورد نیاز بازار کار.

متأسفانه بیشتر کتاب‌های دریافتی، چه تألیف و چه ترجمه، در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات و کار با رایانه‌اند و در زمینه کسب شایستگی‌های دیگر، فعالیتی انجام نشده یا محدود بوده است.

«کاروفناوری» شامل حوزه‌های متنوعی

از جمله مهارت‌های فناوری اطلاعات، یادگیری مبتنی بر پروژه، تولید ایده و محصول و مهارت‌های عملی است.

مژگان مولایی‌راد، داور گروه کاروفناوری، معتقد است: شایستگی‌های حرفه‌ای مورد

نیاز بازار کار، و شایستگی‌های محوری غیرفنی،

مانند شایستگی‌های روابط بین‌فردی، تفکر، شخصیتی،

کسب‌وکار و نیز شایستگی‌های اجتماعی و زندگی اخلاقی و

کارآمد، از جمله مهم‌ترین شایستگی‌های مدنظر برنامه‌دستی

کاروفناوری است که بی‌اطلاعی ناشران از آن‌ها، باعث کمبود آثار

مناسب در این حوزه شده است.

■ چند عنوان کتاب به گروه شما رسیده است و کیفیت

آن‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۱۱ عنوان کتاب در گروه داور کاروفناوری دریافت شده است.

در مجموع کیفیت کتاب‌ها خوب بود، گرچه می‌شد بهتر از این باشند؛ به ویژه در بخش کتاب‌های تألیفی. کتاب‌های ترجمه شده معمولاً از کیفیت بالاتری نسبت به کتاب‌های تألیفی برخوردارند و به عنوان و محتوای بهتری توجه داشته‌اند. هم از نظر ظاهر و گرافیک کتاب، و هم در بخش شاخص‌های تخصصی مانند به‌روز بودن محتوا، خلاقانه بودن شیوه ارائه محتوا، بهره‌گیری از منابع، برخورداری نمودار و نمایه‌های لازم، از کیفیت بالاتری برخوردارند.

■ فکر می‌کنید کتاب‌های ترجمه‌ای با نیازهای مخاطب

ایرانی سازگاری دارند؟

بیشترین کسر امتیاز کتاب‌های ترجمه‌ای مربوط به فقدان رویکرد فرهنگی و تربیتی مناسب و ناهماهنگی با وضعیت بومی مخاطب ایرانی بود.

■ با توجه به آشنایی معلمان با نیازهای خود و دانش‌آموزانشان، می‌توان برای تألیف کتاب مناسب به آن‌ها تکیه کرد؟

معلمان مؤلف زیادی وجود دارند که می‌توانند در صورت حمایت از حیث سرمایه‌گذاری، پخش و عرضه کتاب، در حوزه تألیف فعالیت کنند؛ به‌خصوص معلمان که سابقه تألیف و ترجمه دارند و از انگیزه و علاقه، و دانش و مهارت لازم برخوردارند. معلمان از امکانات آموزشی، وضعیت فرهنگی و اجتماعی و سطح آموزشی